

به نام خدا

راهبردهای پولی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی

مولفان:

مژده مومنی - مهدی علیرضائی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

سرشناسه : مومنی، مژده، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: راهبردهای پولی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی / مژده مومنی، مهدی
علیرضائی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۲۵۱ ص.
شابک : ۰-۷۲۲-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸-۷۶۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه:ص.۲۴۵-۲۵۱.
موضوع : کشاورزی -- ارزش افزوده -- راهبردهای پولی
شناسه افزوده : علیرضائی، مهدی، ۱۳۶۲-
رده بندی کنگره : KMH۸۰
رده بندی دیویی : ۳۴۳/۵۵۰۹۹۴۴
شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۶۶۰۹۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب: راهبردهای پولی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی

مولفان: مژده مومنی - مهدی علیرضائی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

چاپ: مدیران

قیمت: ۷۶۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۰-۷۲۲-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که وجودم برایشان همه رنج بود و توانشان رفت تا به توانی برسم.

به پریا و پریسانم که کودکی گمشده ام را در نگاه معصومان پیدا کردم.

به استادان فرزانه و فریخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت مریاری نمودند.

به شو، سکرانی که در راه پیشبرد دانش کوشش کرده و می‌کنند.

و به دستان پر تلاش کشاورزان سرزمینم

مژده مومنی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۱
فصل اول : مفهوم شناسی و تاریخچه.....	۱۵
۱-۱ مفهوم رشد اقتصادی	۱۷
۲-۱ تاریخچه رابطه رشد اقتصادی و تولید ناخالص با توزیع در آمد	۲۱
۳-۱ اقتصاد سیاسی رشد و توزیع درآمد	۲۹
۴-۱ رابطه منفی رشد و توزیع درآمد	۳۰
۵-۱ رابطه مثبت رشد و توزیع درآمد	۳۱
فصل دوم: مبانی نظری راهبردهای پولی، تولید و مکانیزم اثرگذاری راهبردهای پولی بر سطح تولید و اشتغال.....	۳۵
۱-۲ تعریف سیاست پولی	۳۷
۲-۲ اهداف راهبردهای اقتصاد کلان	۳۹
۳-۲ اهداف راهبردهای پولی	۳۹
۱-۳-۲ هدف اشتغال کامل	۴۰
۲-۳-۲ هدف رشد اقتصادی	۴۲
۴-۲ نقش پول از دیدگاه مکاتب اقتصادی	۴۲
۱-۴-۲ مکتب کلاسیک	۴۲
۲-۴-۲ مکتب نئوکلاسیک	۴۴

- ۳-۴-۲ مکتب کینزین ۴۷
- ۴-۴-۲ مکتب پول گرایان ۵۰
- ۵-۴-۲ مکتب کلاسیک جدید ۵۲
- ۶-۴-۲ مکتب کینزی جدید ۵۴
- ۷-۴-۲ چکیده دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی در مورد اثر راهبردهای پولی بر تولید ۵۶
- ۵-۲ ابزارهای سیاست پولی ۵۸
- ۱-۵-۲ ابزارهای کمی سیاست پولی ۵۸
- ۲-۵-۲ ابزارهای کیفی سیاست پول ۶۲
- فصل سوم: راهبردهای پولی، روند ارزش افزوده بخش کشاورزی..... ۶۹**
- ۱-۳ عملکرد ابزارهای راهبردهای پولی در ایران ۷۲
- ۲-۳ عرضه پول در ایران ۷۷
- ۱-۲-۳ بررسی میزان و نحوه کنترل بانک مرکزی بر پایه پولی : ۷۷
- ۲-۲-۳ بررسی میزان و نحوه کنترل بانک مرکزی بر ضریب تکاثری پول : ۸۴
- ۳-۳ مروری بر راهبردهای پولی در اقتصاد ایران ۸۸
- ۱-۳-۳ عملکرد سیاست پولی طی برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) ۸۹
- ۲-۳-۳ عملکرد سیاست های پولی ناظر بر بخش کشاورزی در طی برنامه اول توسعه ۹۷
- ۳-۳-۳ راهبردهای پولی و اعتباری در سال ۱۳۷۳ ۱۰۵

- ۴-۳-۳ عملکرد راهبردهای پولی طی برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸) ۱۰۹
- ۶-۳-۳ عملکرد راهبردهای پولی ناظر بر نقدینگی در طی برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی ۱۲۱
- ۷-۳-۳ عملکرد راهبردهای پولی ناظر بر بخش کشاورزی در طی برنامه سوم توسعه ۱۲۷
- ۸-۳-۳ عملکرد سیاست های پولی ناظر بر بخش کشاورزی در طی برنامه سوم توسعه ۱۲۸
- ۴-۳ تعیین سقفهای اعتباری ۱۳۷
- ۱-۴-۳ عملکرد راهبردهای اعتباری طی برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) ۱۳۸
- ۲-۴-۳ راهبردهای اعتباری طی برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸) ۱۴۸
- ۳-۴-۳ راهبردهای اعتباری کشاورزی ۱۵۴
- ۴-۴-۳ تعیین حد مجاز اعتباری برای بخش های مختلف اقتصادی ۱۵۸
- ۵-۳ نگاهی به وضعیت و روند ارزش افزوده بخش کشاورزی ۱۶۴
- ۱-۵-۳ موقعیت و اهمیت بخش کشاورزی در ایران ۱۶۵
- ۲-۵-۳ بررسی روند ارزش افزوده بخش کشاورزی طی دوره ۸۱-۱۳۳۸ ۱۶۸
- ۳-۵-۳ مطالعه ارزش افزوده زیر بخشهای کشاورزی ۱۷۴
- ۴-۵-۳ بررسی روند ارزش افزوده زیر بخشهای کشاورزی در طی دوره ۸۰-۱۳۳۸ ۱۷۶

فصل چهارم: مروری بر مطالعات انجام شده در مورد راهبردهای پولی..... ۱۸۱

۱-۴ مطالعات انجام شده در مورد راهبردهای پولی بر اساس انتظارات عقلایی... ۱۸۳

۱-۱-۴ مطالعات ختائی..... ۱۸۷

۲-۱-۴ کاربرد مدل میشیکین برای ایران (نائینی ۱۳۷۴) ۱۹۹

۲-۴ سایر مطالعات انجام شده..... ۲۰۸

۱-۲-۴ مطالعات مقدسی(۱۳۷۹)..... ۲۰۸

۲-۲-۴ مطالعات نائینی(۱۳۷۴)..... ۲۱۷

فصل پنجم : ارائه مدل ،برآورد و نتایج آن..... ۲۲۹

۱-۵ تشریح مدل ۲۳۱

۲-۵ داده های آماری ۲۳۴

۳-۵ آزمون ایستایی ۲۳۵

۴-۵ برآورد مدل ۲۳۷

۵-۵ نتیجه گیری ۲۴۰

۱-۵-۵ نتایج حاصل از رابطه بلند مدت متغیر های اسمی پول و ارزش افزوده

بخش کشاورزی ۲۴۰

۲-۵-۵ نتایج حاصل از برآورد رابطه کوتاه مدت متغیر حجم اسمی پول و ارزش

افزوده بخش کشاورزی ۲۴۱

۶-۵ پیشنهادات ۲۴۲

فهرست منابع..... ۲۴۵

پیشگفتار

با وجود پیشرفت های فراوانی که در زمینه کشاورزی وجود داشته ارزش افزوده بخش کشاورزی همیشه از مهم ترین دغدغه های تولیدکنندگان این بخش بوده است . اینجانب مژده مومنی دانش آموخته ی رشته کشاورزی و مدیرعامل مرکز خدمات غیر دولتی کشاورزی و منابع طبیعی شماره ۲۰ کشور (رویش سبز مبارکه) به عنوان شخصی که همیشه از نزدیک شاهد پروسه صدور مجوز و پروانه واحدهای تولیدی بخش کشاورزی و همچنین روند تولید این بخش بوده است بر خود لازم دیدم تا به لطف حضرت حق و کمک های همسرم آقای مهدی علیرضایی که در این مسیر همراه من بوده با انتشار این مجموعه نقش هر چند کوچکی در حل برخی معضلات کشاورزی داشته باشم .

از آنجا که هنوز کتابهایی از این دست می تواند مورد استفاده کشاورزان و دانشجویان و دست اندرکاران این رشته قرار گیرد ارزش چاپ شدن را دارد و امید است که نتیجه ی آن کمک به پویایی کشور در صنعت کشاورزی باشد.

با احترام مژده مومنی

تابستان ۱۴۰۰

مقدمه

راهبردهای پولی به مجموعه تدابیر و تصمیم‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق بانک مرکزی برای کنترل حجم پول گرفته می‌شود تا از طریق تغییرات عرضه پول و نرخ بهره، جریان مخارج جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه نیل به اهداف اقتصادی تسهیل گردد معمولاً سطح قیمتها، میزان اشتغال، میزان تولید واقعی، صادرات، واردات به عنوان مهمترین متغیرهای هدف در اقتصاد کلان مطرح می‌باشند که افزایش، کاهش و یا ثبات آنها هدفهای مورد نظر اقتصادی، از جمله راهبردهای پولی محسوب می‌گردد.

در اقتصاد ایران بخش کشاورزی، در طی سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محور توسعه قرار گرفته است و سعی دولت بر این بوده است که جهت اعتبارات حتی المقدور به سمت بخشهای تولیدی کشاورزی سوق نماید. بنابراین با توجه به اهمیت سیاست پولی بر بخشهای اقتصادی و اهمیت بخش کشاورزی در رسیدن به رشد و توسعه در این تحقیق به بررسی ارتباط سیاست پولی و ارزش افزوده بخش کشاورزی پرداخته شده است. برای برآورد رابطه بین ارزش افزوده بخش کشاورزی و حجم پول

برای ایران طی دوره ۸۱-۱۳۳۸ و با استفاده از تجزیه و تحلیل خود رگرسیونی VAR غیرمقید و بردار تصحیح خطا VECM و آزمون هم گرایی یومانسون و جوسیلیوس، بدست آوردن روابط و برآورد مدل می پردازیم.

نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می دهد که در بلندمدت اعمال سیاست پولی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر مثبت، معنی دار اما ناچیز داشته است و اثر خشکسالی در فاصله سالهای ۸۰-۱۳۷۷ منفی بوده که منطقی نیز می باشد. و نیز باعث انتقال منحنی ارزش افزوده بخش کشاورزی به پایین شده است. در کوتاه مدت سیاست پولی انبساطی اثر معنی داری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی نگذاشته است.

با وجود نقش محدودیت بخش کشاورزی در طی سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب، ولی راهبردهای پولی به صورت روی کارآمد برای رسیدن به این هدف عمل نکرده است. از سوی دیگر توصیه می شود که در کوتاه مدت و میان مدت از راهبردهای انبساط پولی کمتر و با احتیاط استفاده شود. زیرا این سیاست در کوتاه مدت بر تولید و ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر معنی دار و قابل توجهی نگذاشته است. راهبردهای پولی بخشی از راهبردهای اقتصادی کشور را تشکیل می دهد که از طریق آن؟؟ پولی کشور تلاش می کنند در چارچوبی هماهنگ با سایر راهبردهای اقتصادی عرضه پول را به نحوی کنترل کنند که متناسب با اهداف کشور باشد. متابات پولی هر کشور می توانند با استفاده از ابزار سیاست پولی، کنترل جریان نقدینگی جامعه را بدست گیرند و با هدایت صحیح آن به سمت سرمایه گذاری در بخشهای مولد بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیر مثبت بگذارند.

در اقتصاد ایران همانگونه که در برنامه اول و دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شده است، بخش کشاورزی محور توسعه قرار گرفته است و سعی دولت بر این بوده است که جهت اعتبارات حتی المقدور به طرف بخشهای تولیدی کشاورزی سوق پیدا نماید. بدین منظور در قوانین برنامه ، افزایش سهم تسهیلات بانکی ارزان و ایجاد و تقویت مؤسسات مالی و اعتباری غیر دولتی در بخش کشاورزی پیش بینی شده است و بدین منظور نرخ سود تسهیلات اعطایی به بخش کشاورزی همواره کمتر از بخشهای دیگر اقتصاد بوده و همچنین دولت موظف است که حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات کلیه بانکهای کشور را به طرحهای بخش آب و کشاورزی اختصاص دهد.

بنابراین با توجه به اهمیت شناخت تأثیر راهبردهای پولی و اعتباری بر بخشهای اقتصادی و با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی، در این تحقیق سعی شده است تا به بررسی اثر این سیاست بر بخش کشاورزی پرداخته شود.

در فصل اول این پژوهش اهمیت و ضرورت تحقیق کشاورزی و اعمال راهبردهای پولی در این بخش را مورد بررسی قرار می دهیم و سپس فرضیات تحقیق را مطرح می کنیم و روش تحقیق را نیز مشخص می کنیم.

در فصل دوم ، تعریف سیاست پولی و اهداف راهبردهای اقتصادی کلان را به طر خلاصه شرح داده و سپس پول و راهبردهای پولی از نظر مکاتب اقتصادی را بیان می کنیم و در انتها نگاهی اجمالی بر ابزارهای سیاست پولی می اندازیم. در فصل سوم به عملکرد ابزارهای سیاست پولی ، عرضه پول و متغیرهای تشکیل دهنده آن برای اقتصاد ایران،

عملکرد راهبردهای پولی و اعتباری در بخشهای تولیدی در هر یک از سه برنامه توسعه می پردازیم و در انتها نیز مروری بر روند ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخشهای تشکیل دهنده آن در فاصله سالهای ۸۱-۱۳۳۸ خواهیم داشت.

در فصل چهارم مروری بر مطالعات انجام شده در خصوص اثر راهبردهای پولی بر متغیرهای حقیقی انجام می دهیم و در نهایت در فصل پنجم با تشریح روش تجزیه و تحلیل داده ها، اقدام به برآورد مدل و تعیین روابط کوتاه مدت و بلند مدت کرده و پس از نتایج حاصله از برآورد مدل را مطرح و پیشنهاداتی در خصوص بهبود اثرگذاری راهبردهای پولی بر بخش کشاورزی آورده می شود.

فصل اول :

مفهوم شناسی و تاریخچه

۱-۱ مفهوم رشد اقتصادی

رشد اقتصادی عبارت است از افزایش نادی کل در آمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین این افزایش ته رویت در صد تغییرات در آمد ملی یک جامعه نسبت به سایر قبل مطرح می شود . تعریف میکل تودارو در مورد رشد اقتصادی این چنین است « فرآیند پایدار که بر اثر ظرفیت تولید اقتصادی طی زمان افزایش می یابد و سبب افزایش سطح در آمد ملی می شود »

گونار میردال در مورد تعریف رشد می گوید رشد اقتصادی بصورت افزایش در تولید ناخالص ملی است به بیان دیگر دستیابی به رشد اقتصادی پایدار به مفهوم افزایش در آمد ملی مبنی بر اشتغال کامل با افزایش ظرفیت بالقوه نیروی تولید است تعریف دیگری می گوید : رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولیدات در آمد سرانه کشور از طریق رتباط با افزایش در نیروی کار ، مصرف، سرمایه و هم تجارت اطلاق می گردد

الف (نظریه کوزنتس

سیمون کوزنتس دریکی از مقالات خود به عنوان رشد اقتصادی و نابرابری در آمد (۱۹۵۵) این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر رشد اقتصادی در کشورهای نا برابری

درآمد سخت افزایش یافته و پس از ثابت ماندن از سطح معینی ، به تدریج کاهش می یابد. این الگو به نام منحنی u وارون کوزنتس (u-Inverted curve " ku2cn's) معروف شد . کوزنتس توسعه اقتصادی را به عنوان فرآیند گذر از اقتصاد معیشتی (یا روستایی) به اقتصاد نوین یا شهری نگاه می کند. (بحث دوگانگی اقتصادیو تقسیم اقتصاد به دو روش سنتی و نوین ، قبل از کوزنتس توسط بوئک (J.H.Boche ۱۹۵۳) و لوئیس (W.A.Lewis ۱۹۵۴) نیز مطرح شده است . همچنین بحث چش اقتصاد پس از کوزنتس توسط هیرشمن (A.R.Hirshman ۱۹۵۸) و وروستو (W.W.Rostom ۱۹۶۱) مورد نقد و بررسی قرار گرفت . نکته قابل در فرضیه کوزنتس بیش از آنکه از شواهد تاریخی از عملکرد اقتصادی کشور های در حال توسعه سرچشمه بگیرد از قدرت تحلیل وی سرچشمه گیرد نا برابری و توزیع در آمد در اوایل مراحل توسعه ، رشد اقتصادی را افزایش می دهد . چرا که با توجه به بالا بودن میل نهایی به مصرف خانوار های کم در آمد ، تلاش در جهت ایجاد برابری توزیع در آمد و تعدیل فقر اقتصادی خانوار ها ، سبب افزایش مصرف ، و در نتیجه کاهش پس انداز می گردد و این امر بر انباشت سرمایه تأثیر منفی خواهد داشت ، در حالی که میل نهائی ، انباشت سرمایه را به وجود آورد و به دنبال سرمایه گذاری بیشتر ، بیکاری و فقر را محدود خواهد کرد . استدلال این بود که بلافاصله بعد از اینکه اقتصاد مراحل اولیه توسعه را طی نمود مهارت نیروی کار افزایش یافته و سطح دستمزد ها بالا می رود این امر نهایتا باعث کاهش نا برابر ها را در بر خواهد داشت . بیان کاملا توصیفی کوزنتس در مقاله مشهور وی که عمدتا در یک تمثیل عددی مبتنی است توسط آناند و کانبور (S.Anand and S.M.R.Kanbur ۱۹۹۳)

(صورت بندی مجدد شده است . این دو اقتصاددان مالزیایی ، نشان داده اند که برای مدل کردن حدس کوزنتس پذیرفتن چه فروض لازم است . و در چه مواردی ناچار از توسعه و گسترش منحنی کوزنتس به رابطه پیچیده تری بین شاخص های نا برابری و توسعه یافتگی هستیم و فرضیه کوزنتس ، به دلیل تأثیر عمیقی که بر مبنای نظری اقتصاد توسعه و نیز سیاستگذاری کشور های در حال توسعه داشت دستمایه بسیاری از پژوهش های اقتصادی در سال ها بعد شد . شاید یکی از مشهور ترین آنها مطالعه آهلووالیا (۱۹۷۶) بوده است . بررسی آماری اهلووالیا بر مبنای داده های مقطعی ۶۰ کشور (شامل ۴۱ کشور در حال توسعه ، ۱۳ کشور توسعه یافته و ۶ کشور سوسیالیست) به تأثیر قوی کوزنتس انجامید . این بررسی بعد ها در مطالعات و پیش بینی های بانک جهان بار ها مورد استفاده قرار می گیرد . با وجود این آناند و کانبور (۱۹۹۳) مطالعه آهلووالیا را نقد کده و نشان داده اند که تخمین رابطه کوزنتس به میزان قابل توجهی به نحوه اندازه گیری توزیع در آمد و انتخاب داده حساس است . مطالعه مزبور نشان می دهد که گزینش فرم تابعی رابطه بین میزان در آمد و نحوه توزیع آن و نیز مجموعه کشور های مورد بررسی ، می تواند رابطه بین توزیع در آمد و سطح توسعه یافتگی به شکل u وارون به شکل دیگر بیانجا مد به طوری که الگوهای رشد همه از نظر آماری معنادار باشد .

(ب) نظریه کالدور:

کالدور : تقریباً همزمان به کوزنتس به صورت بندی مدل رشد پرداخت که بعد ها به مدل کمبریج معروف شد . مدل کالدور که در دو مقاله در سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ ارائه

شده است را می توان توسعه مدل رشد هارود- دوما دانست که در آن ، رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع تابعی در آمد (بین سود و دستمزد) تعیین شده است .بعلاوه، ساز و کار و تعیین نرخ پس انداز در مدل توضیح داده می شود . کالدور نشان داده می دهد در صورتی که اقتصاد در اشتغال کامل بوده و در نرخ پس انداز در آمد ناشی از سود ، بزرگتر از در آمد ناشی از دستمزد باشد . رابطه مستقیمی بین سهم سود ، در آمد و نرخ سرمایه گذاری وجود دارد . به عبارت دیگر ، هر چه توزیع در آمد به نفع صاحبان سرمایه تغییر کند ، میزان بیشتری از در آمد به سرمایه گذاری اختصاص یافته و به تبع آن رشد اقتصادی (که در آن مدل بر حسب نرخ سرمایه گذاری توضیح داده می شود) سریعتر خواهد بود . البته در مدل کالدور رابطه علی بین توزیع و در آمد و رشد اقتصادی توضیح داده نمی شود و صرفا تناقص بین توضیح به حد در آمد و رشد سریعتر اقتصادی تبیین می گردد پیش بینی کالدور این است که برای حل فرآیند مدت رشد اقتصادی ، توزیع تابعی در آمد ، باید به تدریج به نفع سود و در آمد تغییر کند (بدتر شود) تا جایی که انباشت سرمایه به میزان مطلوب خود برسد و در آمد تغییر چندانی نمی کند . مجموعه نظریه های ، کوزنتس و کالدور بر مبنای نظری تحلیلهای اقتصادی تا سه دهه بعد سایه افکند . در واقع ، از آنجا که تا اوایل دهه ۱۹۹۰ ، نظریه جایگزینی برای تبیین رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع در آمد ارائه نگردید ، نظریه های این دو اقتصاددان به عنوان یک قانونمندی حاکم بر روابط این دو مفهوم تلقی گردید ، واقعیت این است که در کشور های در حال توسعه ، سطح پایین در آمد سرانه با شکاف گسترده در آمدی بین آحاد جامعه در پیش روی سیاستگذاران و اقتصاددان قرار داشت . با توجه به اینکه در

تفکر غالب بر متون اقتصادی در طول سه دهه مبادله گریزناپذیر بین رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی (توزیع عادلانه در آمد) پذیرفته شده بود . پرسش (تا قبل از دهه ۱۹۹۰) این بود که کشور های در حال توسعه باید در برنامه ریزیهای اقتصادی خود اولویت را را به کدام هدف بدهند ؟ آیا برای دستیابی به رشد بالای اقتصادی ، گسترش نا برابری در آمدها را بپذیرند یا رکورد اقتصادی را برای رسیدن به توزیع برابرتر در آمد تحمل کنند.

۲-۱ تاریخچه رابطه رشد اقتصادی و تولید ناخالص با توزیع در آمد

سالها که اقتصاددانان به دنبال رابطه ای بین رشد اقتصادی و توزیع در آمد می باشند . در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه ی اقتصادی و با رشد در آمد ملی سرانه اندازه گیری می شد . سازمان ملل در دهه ۱۹۶۰ ، ۵ درصد رشد در آمد ناخالص برای کشور های در حال توسعه را مطرح کرد . برای رسیدن به این رشد سیاستهای مختلفی مطرح شد - سیاستهایی که اساسا نظریه های فشار همه جانبه رشد متعادل رشد نامتعادل هر شخص و حداقل تلاش استوار بود . اقتصاددانان معتقد بودند با افزایش در آمد ناخالص ملی از طریق افزایش اشتغال، فقر و نا برابری در آمدها ، کاهش خواهد یافت . اما نتیجه بکار گیری این سیاست ها نتوانست نابرابریهای اقتصادی را از بین ببرد از دهه ۱۹۷۰ اقتصاددانان تنها بر رشد تولید تأکیدی نداشتند بلکه برای توسعه یافتگی شاخص هایی مانند کاهش فقر ، بیکاری، رشد تولید ناخالص ملی ، افزایش اشتغال و توزیع برابر در آمدها را مد نظر گرفتند . اولین بار در مورد رابطه بین رشد و در آمد ، سیمون کوزنتس ۱۹۵۵ نظریه معروف خود را بیان داشت ولی با بررسی ۲۰۰ ساله از جریان توسعه کشور

های توسعه یافته در مورد توزیع در آمد می گوید : در اوایل روند که رشد و توسعه اقتصادی به نفع گروههای پر در آمد جامعه بود توزیع نابرابر می شد. پس از طی این مرحله است که خود به خود عامل تعدیل کننده در جامعه به وجود آمده و گروه های کم در آمد از در آمد های بیشتر منتفع می شوند .

لویس از طرفداران نظریه کوزنتس است وی تلاش کرده است که رشد اقتصادی را از طریق نابرابری در توزیع در آمد فرموله کند او معتقد است تنها راه شتاب دادن به رشد اقتصادی استفاده از مدل های توزیع در آمد کشورهای اروپایی و ژاپن در سالهای اولیه رشد است . در ابتدای پروسه سود در آمد ملی زیاد و سهم دستمزد و در آمد ملی ناچیز است . به این بخش منفی با استفاده از سود های کسب شده رشد خواهد کرد و امکانات اشتغال بیشتر فراهم خواهد آمد . در مدل فی - رانیس توجه به این مدل توزیع نیروی در آمد به عنوان مسئله جانبی در نظر گرفته شده است ، این مدل در ارتباط با توزیع در آمد ، مدل مناسبی نیست چرا که فقط دوگانگی شهری و روستایی را در نظر می گیرد . بر مبنای این مدل می توان اقدامات مربوط به پایین نگه داشتن دستمزدها و در آمد های پایین روستایی و شرایط مبادله بین روستا و شهر را به آسانی توجیه کرد . برای رسیدن به یک رشد سریع اقتصادی نابرابری توزیع در آمد از شرایط لازم می باشد افراد دارای در آمد بالا میل نهایی به مصرف کمتری نسبت به افراد کم در آمد و پس انداز کنندگان از گروه در آمدی بالا می باشند که امکان تشکیل سرمایه را به وجود می آورند و بر عکس افراد کم در آمد که اثر منفی بر زیان انباشت سرمایه دارند بعد از اینکه

جامعه مراحل اولیه توسعه را پشت سر گذاشت مهارت نیروی کار افزایش یافته و به دستمزد ها افزوده و از میزان نا برابری کاسته می شود .

بعد از کوزنتس کراولین ، (۱۹۶۰) ، اوشیما (۱۹۶۲) ، پاکرت (۱۹۷۳) اهلوالیا ، چتری و دیگران (۱۹۷۴) گهت (۱۹۷۵) ، اوکالیون و دیگران (۱۹۸۴) بابانکساد کین (۱۹۸۶) ، برترلا (۱۹۸۸) ، موریس (۱۹۹۰) ، آناندو گاسبور (۱۹۹۳) آلیسناو رودریک (۱۹۴۴) ، برترلا (۱۹۹۳) ، فلیدزد (۱۹۹۴) ، سنت پل ووریری (۱۹۹۶) ، جها (۱۹۹۶) ، جوونالین (۱۹۹۶) ، پارین (۱۹۹۷) به مطالعه در مورد رابطه بین رشد و در آمد پرداختند . ادبیات جدید رشد از اوایل دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت که از الگوی رشد درون زا استفاده می شود . بارو ۱۹۹۱ ، ادوارلر ۱۹۹۳ و رومر ۱۹۹۴ سیاست های تجاری را به رشد بلند مدت مرتبط ساختند . عده ای از اقتصاددانان معتقدند که نابرابری توزیع در آمد یکی از شرایط لازم برای رشد اقتصادی است و استدلال آنان به این صورت است که افراد هر جامعه به دسته تقسیم می شود . افراد ثروتمند میل نهایی به مصرف پایین دارند برعکس افراد فقیر میل نهایی به مصرف بالا دارند . افراد ثروتمند مقدار بیشتری از در آمد را به پس انداز اختصاص می دهند هر چه در آمد بیشتری به سوی افراد ثروتمند جذب شود ، پس انداز زیادتر و سرمایه گذار بیشتری صورت می گیرد و در آن جامعه رشد بیشتری به دست می آید ، پس از رسیدن به حد کافی رشد در آن جامعه خود به خود توزیع نابرابر در آمد به سوی در آمد ها سوق پیدا می کنند ، زیرا کشش جانبی سراه به نیروی کار کمتر از واحد است . در رشد اقتصادی از سرمایه به میزان زیادتری استفاده می شود بهره وری نیروی کار در تولید افزایش یافته و سپس

تمركز در آمدها در طول زمان کاهش می یابد. تحقیقات اخیر نشان می دهد که یک رابطه منفی میان نا برابری اولیه و رشد اقتصادی وجود دارد اطلاعات جمع آوری شده مربوط به دوران سی ساله کشور های مختلف بیان می دارد که ۹۰ درصد نظریه لورنتس تأیید نشده است. با توجه به رابطه میان رشد کلی و تغییر در آمد گروه تحتانی جامعه در یک دوره ده ساله با دوران رشد اقتصادی با یک روند رشد نابرابریها در ۴۳ مورد و همین کاهش نابرابریها در ۴۳ مورد و همین طور کاهش نابرابریها در ۴۵ مورد توأم بوده است و به یک رابطه قوی و سیستماتیک میان رشد اقتصادی و رشد در آمد ها دست یافته شده است. بر خلاف کوزنتس، گونارمیردال بیان می دارد که « لغزش نابرابری اقتصادی در یک کشور بطور معکوس رشد اقتصادی آن را متأثیر می سازد». استدلال وی این چنین بوده که در عدم وجود محرکهای نا رضایتی و اغتشاشات سیاسی، زمانی که نابرابری به سطح خاصی برسد به وجود می آید لذا اغتشاشات تغییرات ناگهانی اجتماعی و سیاسی نظم فعالیتهای اقتصادی و تجاری را بر هم زده و باعث کاهش نرخ رشد می گردد، پرسون و نایلینی (۱۹۹۴) و والنسیا و رودریک (۱۹۹۴) در مطالعات خود نشان دادند که نا برابری بطور منفی به رشد مرتبط است کلارک در سال نتیجه می گیرد ارتباط بین رشد و نا برابری از نظر آماری معنی دگر اما کوچک می باشد. دیدگاه دیگر بیان می دارد که دولتین بدون توجه به توزیع عادلانه در آمد نمی تواند به رشد اقتصادی دست یابد. در سال (۱۹۷۲) هانس سینگر سیاستهایی را عنوان نمود که شامل تعدیل و رشد بود. در سال (۱۹۷۴) اثر چتری و دیگران از سوی بانک جهانی به نام توزیع مجدد در آمد و رشد اقتصادی انتشار یافت. چتری می

گوید: « برنامه ریزی متمرکز بر مسئله فقر به معنای از دست دادن هدف ریشه نیست بلکه توزیع مجدد منافع رشد است سیاستهای توزیع مجدد از طریق اعمال مالیات، پرداخت یا ارائه پرداخت انتقالی توزیع در آمد صورت می گیرد. مطالعات تجربی آدامس و موریس در مورد ۴۳ کشور در حال توسعه نشان داد که هیچ گونه دلیلی مبنی بر اینکه افراد بسیار فقیر خود به خود از رشد اقتصادی منتفع شوند، وجود ندارد بلکه طبقه متوسط کوچک و ثروتمند بهره مند می شوند. مارشال معتقد است که دخالت در قالب توزیع ممکن است به نحو چشمگیری تولید را کاهش دهد توزیع مجدد کلی قطعاً نتایج متفاوتی خواهد داشت و دلیل امر دخالت تصحیح کننده مکانیزم بازار و اثبات الگوی کلی توزیع در آمد ناشی از آن است. ویژگیهای ساختاری اقتصادی نتکی به بازار و سیاستهای منفی پولی و مالی پیامدهای عمیقی به دنبال خواهد داشت. که لزوماً منجر به کاهش تولید نخواهد شد. با بروز رکورد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته با کاهش در آمد های صادراتی روبه رو شدند در تراز پرداخت این کشورها کسرهایی به وجود آمد که به ناچار وام هایی را از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در خواست نمودند. در مقابل این دو نهاد پرداخت وام را مشروط به اجرای برنامه های تثبیت و تعدیل داشتند. دل و لاورنس معتقدند که مشکلات اقتصادی این کشورها از مراحل برون زای قوی برخوردار است. در مقابل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی این مشکلات را ناشی از سیاستهای داخلی کشورها دانسته است. صندوق بین المللی پول روی مسئله تصحیح کلان اقتصادی برنامه های خود را متمرکز نکردند بلکه دامنه کلی مسئله مرتبط شامل سیاستهای دستمزد و نرخ بهره یارانه های دولتی و نقش دولت در هدایت فرآیند توسعه